

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

بازتایپ از: لاله هوادار (سازمان انقلابی افغانستان)

۱۸ می ۲۰۱۲

ساختمان طبقاتی جامعه بورژوائی

کارل مارکس و فردریش انگلس، ثابت کردند که جامعه تنها با پیدایش مالکیت خصوصی وسایل تولید، یعنی زمین، معادن موجود در دل خاک، وسایل تولید و در یک کلمه آنچه در تولید ثروت مورد نیاز مردم است، به طبقات تقسیم شده است. بخشی از جامعه که اقلیتی را شامل می گردد، صاحب وسایل تولید است و به این علت قادر به استثمار بخش دیگر جامعه که از وسایل تولید محروم است، می شود.

لنین می گوید که طبقات در یک جامعه استثماری، گروه هائی از مردمنده که به علت روابط گوناگون شان نسبت به وسایل تولید، یکی از آنها می تواند کار دیگری را در اختیار خود بگیرد.

نخستین تقسیم طبقاتی، تقسیم جامعه به بردگان و برده داران بود. با گذار از دوران برده داری به دوران فیودالی، این تقسیم جای خود را به تقسیم جامعه به طبقه اشراف فیودال و طبقه دهقان داد.

وجه مشخصه جامعه بورژوائی، وجود دو طبقه اساسی متخاصم، بورژوازی و طبقه متکی به نیروی کار یا طبقه کارگر است. بورژوازی طبقه ای است که مالک وسایل تولید می باشد و این وسایل را برای استثمار کارگران مزدور به منظور استخراج ارزش اضافی مورد استفاده قرار می دهد. طبقه دیگر را کارگران محروم از وسایل تولید تشکیل می دهند که به دلیل همین محرومیت مورد استثمار واقع می شوند. علاوه بر این دو طبقه، در نظام سرمایه داری طبقات فیودال و دهقان به عنوان بقایای نظام فیودالی نیز وجود دارند.

با توسعه سرمایه داری، قدرت طبقه ای که به نیروی کار متکی است و به طور روز افزون از مصالح خویش آگاه می گردد، فزونی گرفته، تکامل می یابد و برای مبارزه علیه بورژوازی متشکل می گردد.

در برخی از جوامع، دولت بورژوائی پاسدار عدم تساوی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود در نظام سرمایه داری است.

مأموریت اصلی دولت استثمارگر، این است که اکثریت استثمار شونده را تحت نظر و کنترل گرفته و آنان را در انقیاد طبقات حاکم نگهدارد. در اینگونه کشور ها، دولت ممکن است شکل های مختلفی داشته باشد. همچنین ممکن است دارای رژیم های گوناگونی باشد از قبیل رژیم های دموکراتیک یا فاشیستی یا استبدادی. ولی اساس کلیه این اشکال یکی است. تمامی آنها دیکتاتوری بورژوازی هستند و هدف آنها تحکیم و تأیید و تقویت نظام استثمارگر کار مزدوری به وسیله سرمایه است.

ادامه دارد...

بر گرفته از کتاب علم اقتصاد، نوشته ای. پ. نیکی تین